

در آمستردام نمایش رونمایی می شود

۳۰ سال پس از «مشق شب» کیارستمی در یک مستند



امروز را با ۳۰ سال قبل نشان دهیم، به دنبال پیدا کردن مدرسه شهید مصعومی رفتیم، ولی متوجه شدیم مدرسه وجود ندارد و به یک ساختمان بلند مرتبه تبدیل شده است.

مستند «مشق امشب» که به زودی در جشنواره ایدفا رونمایی می‌شود، براساس فیلم «مشق شب» عباس کیارستمی و به نوعی در ادامه موضوع آن پس از گذشت ۳۰ سال ساخته شده است. «مشق امشب» ساخته مشترک اشکان نجاتی و مهران نعمت‌اللهی‌است که در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایدفا در آمستردام نمایش داده خواهد شد. نجاتی و نعمت‌اللهی که هر دو با سابقه فعالیت در هنرهای نمایشی و فیلم کوتاه به ساخت فیلم «مشق امشب» رسیدند، درباره این فیلم و انگیزه خود از ساخت آن نکاتی را در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کردند.

نجاتی درباره چگونگی ساخت این فیلم توضیح داد: «مشق امشب» در سال ۱۳۹۸، پیش از شیوع کرونا و کاملاً تحت تاثیر فیلم «مشق شب» آقای کیارستمی ساخته شده است. فیلم آقای کیارستمی آنقدر تاثیر گذار بود که من و مهران چند سال فکر می‌کردیم چقدر خوب می‌شد اگر یک ورژن مشابه از این فیلم ساخته می‌شد تا ببینیم بعد از ۳۰ سال چه اتفاقی برای مدرسه و منسق شب نوشتن افتاده است. درواقع این موضوع برای پنج، شش سال یک دغدغه ذهنی برای ما شده بود و با این رویکردی که گفتم، تصمیم گرفتیم فیلمی بسازیم که از نظر شیوه روایت و حتی نحوه قرار گرفتن دوربین هم تا آنجا که ممکن است، به «مشق شب» آقای کیارستمی نزدیک باشد.

او اضافه کرد: از آنجا که می‌خواستیم این فیلم از هر منظر به «مشق شب» نزدیک باشد تا بهتر بتوانیم تفاوت‌های

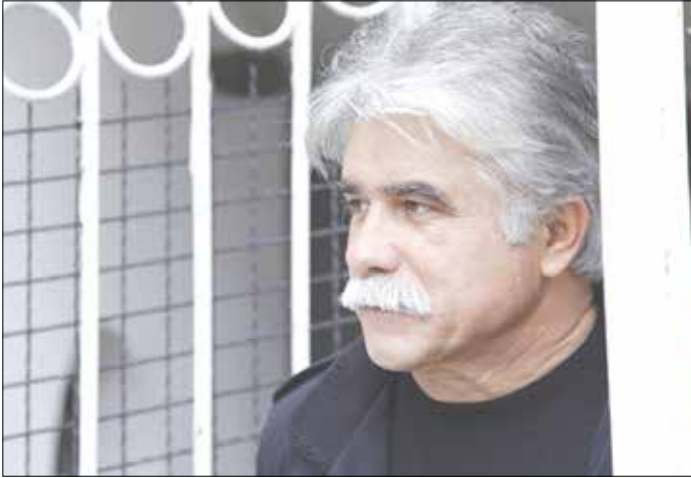
«چمدان بی کسی» از فراموشی، ترس و مرگ می‌گوید

قصه‌هایی آشنا و واقعی از رخداد‌های سال‌های اخیر

مجموعه داستان «چمدان بی‌کسی» حاوی ۱۲ داستان بلند و کوتاه در ۱۷۴ صفحه به‌تازگی توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شده. طرح جلد کاری از بهزاد خورشیدی است.

شیمیم شهبلا نویسنده این مجموعه داستان، به هنرانلانین گفت: سال گذشته به‌دلیل شرایط خاصی که کرونا ایجاد کرد فرصت بیشتر برای گذراندن وقت و زمان داشتم، بعد از نوشتن قصه «انتظار نام دیگر فراموشی‌ست» که در رابطه به کرونا بود، این فکر به سراغم آمد که داستان‌های کوتاه و بلندی را که نوشتم یک بار دیگر بخوانم و ویرایش کنم تا تبدیل به یک مجموعه داستان شود. می‌خوامتم پس از نوشتن کتاب «مفهوم تجزیه از نگاه بهرام بیضایی» که سال گذشته منتشر شد، به سراغ قصه و داستان بروم و زندگی مردم آشنا را روایت کنم. این دوازده داستان در قالب چهار سه‌گانه، با عناوین (سه‌گانه فراموشی) «انتظار نام دیگر فراموشی‌ست»، «زنی که آواز تنهایی سر داد» و «دولت»، (سه‌گانه ترس) «مهم مالکیت»، «این زندگی سال‌هاست که متروک است» و «من می‌نویسم زندگی، تو بخوان عدت»، (سه‌گانه حوادث) «کاشی از دور تو را خوب ببینم کافی‌ست»، «کتاب‌هایی که»، «زندگی یک روستا را نجات دادند» و «ما نبودیم» و (سه‌گانه مرگ) «آلوده به مرگ»، «لبخندی که هیچ‌وقت فراموش نندد» و «لی‌لی کتان» نوشته شده است. او با این توضیح که داستان‌ها روایت کننده قصه زندگی آدم‌های است که مفاهیم فراموشی، ترس، حوادث و مرگ در زندگی و تصمیم‌های آنان جا خوش کرده، افزود: این قصه‌ها در طول سه سال و در فواصل زمانی مختلف نوشته شدند و برخی از آن‌ها پیش از این در مجله ادبی «بیش‌ت» نشر یافته‌اند. بنابراین اتفاقات و رخداد‌های واقعی که در این چند سال اخیر با آن‌ها مواجه شده‌ایم به‌گونه‌ای در این قصه‌ها از عناصر اصلی هستند. از بحران جهانی کرونا، تا زلزله کرمانشاه، آتش‌سوزی پلاسکو و واژگونی اتوبوس در دانشگاه که هر کدام در مسیر روایت یک قصه نقش دارند.

شهبلا با بیان این که البته علاوه‌بر موضوعات و اتفاقات واقعی و همگانی که با آن‌ها روبرو شده‌ایم در قصه‌ها به مسائل دیگری هم پرداخته‌ام، ادامه‌داد: شاید در نگاه اول این مسایل خیلی بحرانی به‌نظر نیایند اما وقتی با آن‌ها روبرو می‌شوی توانایی شکست ما را دارند همچون تنهایی و دور شدن از آدم‌ها که این دو سال اخیر بیشتر خودش را به رخ کشید، شق به مهاجرت، ترس از مسئولیت، دور شدن از کتاب و کنیاخوانی و نگاه کردن به آن مانند یک کالی‌ای نه چندان ضروری، عزیز شدن ناگهانی یک نفر بعد از مرگ نزد اطرافیان‌ش و ترس از قضاوت شدن؛ هر کدام از این موضوعات نیز به‌تنهایی توانایی تبدیل شدن به یک قصه بلند را دارند.



اکبر اکسیری می‌گوید: زوال ادبیات داستانی

طنز فرارسیده و دور دور جوک و لطیفه‌های سخیف و مبتذل و دل‌نوشته‌های شعرگونه است که به خاطر خنداندن و مزه‌پرانی و شوخی‌های آن‌چنانی از طرف مخاطب پخش می‌شود. این طنزپرداز در گفت‌وگو با ایسنا درباره ادبیات داستانی طنز و کتاب‌هایی که در این زمینه منتشر شده‌اند، اظهار کرد: می‌توانیم بگوییم پیش از انقلاب ادبیات داستانی طنز روح بسیاری داشت و خیلی هم فروش می‌رفت، اما به مجلات به صورت پاورقی قصه‌های طنز را استفاده می‌کردند اما الان این‌طور نیست. بعد از انقلاب هرچه دیدم فقط قهقهه و شعر است. محذعلی علوی، طنزپرداز کشورمان در کتاب «باغ دلگشا» و چند کتاب طنز دیگر به

کوتاه طنز و گفت‌وگوهای طنزآمیز که کوتاه

و مختصر و شیرین هستند، حرکت‌هایی شده که بسیار خریدار دارد. ما در جور آن‌ها هیچ نوشته کوتاهی به سرعت خوانده نمی‌شود. تمام کسانی که پیامی برای‌شان می‌آید ابتدا نگاه می‌کنند، اگر تصویر باشد باز می‌کنند اما اگر کمی کلماتش زیاد و به نثر باشد حتی اگر بهترین طنز هم باشد، بساز نمی‌کنند. اگر در واتس‌اپ پیامی بیاید همین ملیحه ما اگر تصویر باشد زود باز می‌کند اما همین که متن کمی طولانی یا طنز جدی باشد به من می‌دهد که بخوانم. زمانی ما «گلستان» را با آن طنزهای شیرین می‌خواندیم یا «چرند و برند» دهخدا را می‌خواندیم و برای تمام نکته‌هایش حوصله و وقت می‌گذاشتیم. دیگر آن حوصله نیست و گو این‌که زوال ادبیات داستانی طنز فرارسیده و دور دور جوک و لطیفه‌های سخیف و مبتذل و دل‌نوشته‌های شعرگونه است که به خاطر خنداندن و مزه‌پرانی و شوخی‌های آن‌چنانی از طرف مخاطب پخش می‌شود. این یکی از اتم‌های بازار ماست و اگر بخوایم به آسیب‌شناسی این موضوع بپردازیم، می‌توانیم بگوییم هیچ مخاطبی تقصیر ندارد، روزگار به ستمی رفته که مخاطب و قلمش را هدر نمی‌دهد تا ۵ صفحه و با ۱۰ صفحه مطلب در آن بخواند و در آخر به نکته طنزآمیز برسد بلکه با سرعت

رعد و برق به مطلب، تصویر، کاریکاتور و یا ویدئو

خنده‌دار نگاه می‌کند و بلافاصله خنده‌اش را بروز می‌دهد و انگار به آرزویش رسیده است. این پیام‌کها هم هرچقدر تندتر و ریکی‌تر باشند، مشتری زیادی‌تر خواهند داشت.

اکسیر با انتقاد از طنزهایی که در فضای مجازی دست به دست می‌شود، بیان کرد: تعجب می‌کنم برخی از رفیقان و عزیزان ما که در حوزه تصویر و یا ویدئو فعالیت دارند، فکر نمی‌کنند شاید بخوایم آن را در برابر خانم‌های خانه ببینیم، چیزهایی می‌گویند که آدم شرم می‌کند. امیدوارم روزی برسد که دوستان طنزپرداز ما اول به اخلاق خانواده توجه کنند و بعد به فکر خنداندن به هر قیمتی باشند. این‌که ما با تمام سلیقه‌ها، با تمام لجه‌ها و قومیت‌های خودمان شوخی کنیم و آن‌ها را دست‌بندازیم تا دیگران را بخندانیم، واقعا وقیحانه‌ترین نوع طنز است و یا این‌که بیایم با واژه‌ها و سوزه‌های جنسی یا تحقیر مادرشوهر و مادرزن و مسائل بین مادرشوهر و عروس بخوایم بازار گرمی کنیم انصاف نیست. موضوعات روز اجتماعی ما به قدری فراوان است که می‌توانیم به جای مادرشوهر به آن‌ها بپردازیم و اگر هنرمند قوی‌ای هستیم و ذهن ظه‌ن‌پرور بسیار والایی داریم بیایم از معضلات و بدبختی‌های محیط زیست‌مان بگوییم.

گفت‌وگو با اکبر اکسیر دور دور جوک‌های سخیف است

او در ادامه با بیان این‌که کرونا در کنار بدبختی‌هایی که داشت، در پاره‌ای از موارد به نفع بشریت بود، گفت: همین‌که عادت‌های نادرست را به خاطر کرونا به فراموشی بسپاریم و بهداشت همگانی را رعایت کنیم، این‌عالی‌ترین نوع طنز ما خواهد بود. آقایین را دیدم که با افتخار تمام می‌گفت من واکسن نمی‌زنم و ادعاهای آن‌چنانی داشتند و خیال می‌کرد اگر نزد خود را از آسیب نگه داشته، درحالی‌که واکسن زدن فقط خودزنی نیست، جامعه‌زنی و مردم‌زنی است. این‌که بدانیم هرچیزی برای خوشی خودمان نیست، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. دوستان عزیز ما باید سلیقه مخاطب خود را به‌گونه‌ای به سوی ادبیات داستانی طنز ببرند تا این قسمت از ادبیات ما بی‌صاحب نماند و سزیدمداران خود را داشته‌باشند. ما با قصه‌های طنز نسن و خسرو شاهانی را می‌خواندیم یا عمران صلاحی دست می‌گرفتیم، کتاب‌های طنزی که از بزرگان مانده، برای ما فرصتی بود که به مطالعه و خواندن کتاب و ادبیات داستانی خودمان دامن بزنیم و الا با آمدن یک تکه آجر به نام موبایل و ورود به فضای مجازی آن‌چنان خود را گم کرده‌ایم که فرهنگ، تمدن و ادبیات را بجهایم ۱۴-۱۵ ساله می‌چرخاند. نمی‌دانم پیدا می‌شود یا چگونه مدیریت کرد، سرماران آن‌ها چه کسانی هستند؟



که برای طراحی موسیقی فیلم اهمیت دارد بیان کرد: موضوع و جغرافیایی که فیلم در آن روایت می‌شود مساله مهمی است که برای طراحی موسیقی فیلم از آنها استفاده می‌شود. است. اکنون ۷۰ درصد سریال‌ها به میحت موسیقی در کار خود اهمیت می‌دهند؛ بالاخره در این میان آثار نامربوطی هم هست که در شرایط کنونی اتفاق می‌افتد. اکسیراز استفاده از خزایی‌فر همچنین درباره معیارهای مهمی

افتتاح یک گالری جدید در کاشان با نمایش آثار عباس اکبری نگاهی به کاشی‌های درپوش کندوی عسل



کتاب «سفر به شبستر» با پژوهش عباس اکبری روی کاشی‌هایی با کاربرد غیرمتعارف منتشر شد. به گزارش هنرانلانین، گالری مریم روز سه شنبه ۲۵ آبان در شهر کاشان آغاز به کار کرد. افتتاحیه این گالری با نمایش جدیدترین مجموعه پژوهشی عباس اکبری با نام «سفر به شبستر، از سمت کاشان» همراه با مروری بر تعدادی از آثار پیشین او در ده سال گذشته بود. مجموعه آثار جدید اکبری در قالب کتاب «سفر به شبستر» روایت‌گر بخش مهمی از تاریخ تجسمی ایران است که روی کاشی‌هایی با کاربرد غیر متعارف به عنوان درپوش کندوی عسل نقش بسته است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه در گذر زمان، کاشی‌های گردی که در قسمت پایین خود یک سوراخ دارند از زمینه کاربردیشان جدا شده و کارکرد غیر متعارفشان به فراموشی سپرده شده است.

کتاب «سفر به شبستر» که توسط نشر پیکره در ۲۲ صفحه و به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است، روایت‌گر یک مطالعه بینارشته‌ای میان سید بافی، زنبورداری و کاشی‌سازی است که برای نخستین بار نمونه‌هایی از کاشی‌های درپوش کندو را با کندوی سبیدی خود در معرض دید قرار می‌دهد. این کاشی‌ها که زمانی در اطراف شبستر تولید می‌شدند نمونه‌هایی از مصادیق کارکردهای غیر متعارف سفال در تاریخ هنر ایران هستند که غیر از جنبه‌های کاربردی ویژه خود، به لحاظ نقوش و طراحی بخش مهمی از تاریخ نقاشی ایران را روی خود ثبت کرده‌اند که از نظر ریخت‌شناسی و ویژگی‌های منحصر به فردی دارند.اغلب نقوش کاشی‌های اصلی، غیر مرتبط با کاربرد ویژه آن‌ها به عنوان درپوش کندو هستند که این مهم به همراه سوراخ غیر معمول روی کاشی‌ها، که در واقع محل ورود و خروج زنبورها است، آن‌ها را ایشایی بدون هویت کاربردی، حتی در موزه‌های محل نگه داری آن‌ها نشان داده است. از این رو اکبری به جز بخش پژوهش نظری این کتاب، مصادیق جدیدی از این کاشی‌ها را با طراحی مرتبط یعنی نقش زنبور و گل و گیاه روی آن‌ها به همراه چیدمانی از کندوهای ساخته شده تولید کرده است که در ارائه نمایشگاهی با پخش صدای کلونی زنبورها از درون کندوها جریان زندگی و زیست محیطی این آثار را متذکر می‌شود. در حال حاضر تنها آنچه از تاریخ مستند ۴۰۰ ساله این کاشی‌ها باقی مانده کندوهای سبیدی بدون کاشی‌ها هستند که همچنان توسط بعضی از زنبورداران منطقه به کار گرفته می‌شود. در بخش مرور این نمایشگاه نیز تعداد اندکی از آثار مجموعه‌های نیایش شرقی، مرکب ایرانی، در جست وجوی آرش، ظرف، ماهی سیاه کوجولو، کاشی و کاشان، یادداشت‌هایی درباره سلاح و نقاشی ممنوع نیز در معرض دید قرار گرفته‌اند. این نمایشگاه تا ۲۵ آذر در گالری مریم به کار خود ادامه خواهد داد.

فرهنگی

اخبار کوتاه

«جنایت بی‌دقت» در آمریکا و عراق به نمایش در می‌آید



فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکرری تا پایان آبان مه‌ا، دو نمایش جشنواره‌ای و یک اکران همراه با جلسه پرسش و پاسخ خواهد داشت. به گزارش ایسنا، ساخته مکرری در ادامه نمایش‌های بین‌المللی‌اش، شنبه بیست ونهم

آبان ماه در سالن بیلی وابلدر لس‌آنجلس به نمایش در می‌آید. این نمایش توسط دانشگاه «بوسی‌الی» برگزار می‌شود، همراه با جلسه پرسش و پاسخ با حضور شهرام مکرری خواهد بود. همچنین همزمان با این نمایش، «جنایت بی‌دقت» در بیستیمین دوره جشنواره «تیبورن» در سانفرانسیسکو به نمایش در می‌آید. جشنواره «تیبورن» اعلام کرده که «جنایت بی‌دقت» در بخش بهترین‌های جشنواره‌ها در این فستیوال نمایش داده می‌شود. جشنواره بین‌المللی دهوک که این روزها در کردستان عراق در حال برگزاری است هم میزبان «جنایت بی‌دقت» در بخش سینمای جهان است و این جشنواره علاوه بر «جنایت بی‌دقت» میزبان فیلم‌هایی مانند «قهرمان»، «تی‌تی» و «اولا» هم خواهد بود. «جنایت بی‌دقت» محصول «موسسه فرهنگی هنری کارنامه» به تهیه‌کنندگی نگار اسکندرفر قرار است آذرماه در سینماهای ایران نمایش داده شود.

فیلم مرضیه ریاحی

بر گزیده جشنواره فیلم کوتاه آلمان



مرضیه ریاحی از هجدهمین جشنواره جهانی فیلم کوتاه La.Meko آلمان جایزه گرفت. به گزارش ایسنا، این جشنواره مکانی برای نمایش فیلم‌های کوتاه در تمامی ژانرهاست و فیلم کوتاه «کلاس راندگی» ساخته مرضیه

ریاحی جایزه اصلی و اول جشنواره را دریافت کرد. این بیستیمین جایزه این فیلم پس از دریافت جایزه زرلالوی طلائی شانزدهمین جشنواره «زرلالوی طلائی» ارمنستان، جایزه بهترین فیلم کوتاه بیست و دومین جشنواره «هنرهاب امروز» ایتالیا، جایزه بهترین فیلم کوتاه بیستیمین جشنواره «وهای» آمریکا، بهترین فیلم کوتاه چهل و دومین جشنواره فیلم‌های مستقل Big Muddy آمریکا، جایزه بهترین فیلم کوتاه بیست و یکمین جشنواره «از نگاه زنان» آمریکا، جایزه بهترین فیلم به انتخاب تماشاگران بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌های زنان «ایچی» ژاپن، جایزه هیات داوران هجدهمین جشنواره جهانی فیلم‌های زنان «توپاز» آمریکا، جایزه ویژه هیات داوران سیزدهمین جشنواره جهانی فیلم‌های زنان مسؤل کره جنوبی، جایزه بهترین بازیگر زن برای لیندا کیانی از دوازدهمین جشنواره فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو آمریکا، جایزه بهترین فیلمنامه برای مرجان ریاحی از دو جشنواره زنان «بیروت» لبنان و «سینما-سفر» هند و… است. هجدهمین جشنواره جهانی فیلم La.Meko آلمان روز ۱۱ نوامبر برگزارگشاش را معرفی کرد.

«زندگی جمع و جور اما پرشور» در یک کتاب



«زندگی جمع و جور اما پرشور» نوشته کورتنی کارور با ترجمه نورا نوابیو منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب با عنوان فرعی «چگونه ساده زیستن ار مغان بیشتری برلمان خواهد داشت» در ۲۲۲ صفحه و با بهای ۷۰ هزار تومان از سوی نشر خزه به چاپ رسیده است. در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: نویسنده این کتاب، زندگی شلوغ و پرترنشی داشت؛ شبانه‌روز کار می‌کرد و می‌دوید و رنگ آرایش را نمی‌دید. اما

لگهان یک روز، رنگ خضری جدی برایش به صدا درآمد: ایلاتا به بیماری ام.اس. همین اتفاق، کارور را از خواب غفلتی عمیق بیدار کرد و او را بر آن داشت تا زندگی‌اش را از نو بسازد؛ کتاب «زندگی جمع‌وجور اما پرشور» حاصل همین سیر و سلوک کارور است و نشان می‌دهد چگونه او از یک آدم بیمار و گرفتار، تبدیل شد به یک فرد سالم و آرام که همه زوائد اطرافش را دور ریخته و برای خود آرامش و عشق و سبکبالی را به ارمان آورده است. حالا کارور در زمینه مینی‌مالیسم یکی از بهترین بلاگرهای دنیاست و چهره اصلی مقالات، پادکست‌ها و مصاحبه‌های بی‌شماری با موضوع ساده‌زیستی، او همچنین خالق چالش «پروژه ۳۳۳» یا پیروی از فلسفه مینی‌مالیسم است که طرفداران فراوانی در سراسر جهان دارد و در همین کتاب هم به آن پرداخته شده است.

«یوسا» برنده جایزه «آندره مالرو» شد



چهارمین دوره جایزه ادبی «آندره مالرو» به «ماربو بارگاس یوسا» نویسنده مطرح اهل پرو رسید. به گزارش ایسنا به نقل از اکتوالیته، چهارمین دوره جایزه ادبی «آندره مالرو» که به پاس زنده نگه‌داشتن یاد این نویسنده و منتقد سرشناس

فرانسوی برگزار می‌شود، جایزه بخش ادبیات داستانی امسال خود را به «ماربو بارگاس یوسا» برای رمان «زمان وحشی» اعطا کرد. رمان «زمان وحشی» که توسط انتشارات گلیلمار فرانسه منتشر شده، رویکنگر داستانی سیاسی در پس‌زمینه‌ای از یک کودتاست که خواننده را در بیچ و خم خیانت‌ها، فریب‌ها و دسیسه‌ها قرار می‌دهد و بار دیگر بیخ‌اندی «ماربو بارگاس یوسا» را به ما می‌نمایاند. جایزه ادبی «آندره مالرو» شامل یک جایزه نقدی ۱۹۹۳ دلاری است؛ عددی که بر اساس سالی انتخاب شده که «آندره مالرو» موفق به کسب جایزه ادبی «گنگور» فرانسه شد. «ماربو بارگاس یوسا» از مطرح‌ترین چهره‌های ادبیات آمریکای لاتین به‌شمار می‌رود و کار پیچیده گذشته، آثاری چون «سور بز»، «خانه سبز»، «گفت‌وگو در کاتدرال» و «شهر سگ‌ها» را خلق کرده است. او پیش‌تر «آنده مالرو» را یکی از منابع الهام برای نگارش رمان «عصر قهرمان» معرفی کرده و گفته بود که همواره آثار این نویسنده فرانسوی را با شور و اشتیاق می‌خواند.

گزارش

پروژه جدید معماران زاها حدید با ادای احترام

به فرهنگ مجارستان

درساخشدگی

معماران زاها حدید برنده مناقصه طرح توسعه شهری بوداپست شدند. معماران زاها حدید از طراحی مرکز شهر زوگلو در منطقه چهاردهم بوداپست در مجارستان رونمایی کردند. این مرکز جدید با کاربری‌های مختلف در زمینی به مساحت تقریباً ۷ هکتار بین میدان بوسنیکای و نهر راکوس ساخته خواهد شد. ساخت و ساز آن در صورت برحله‌ای از اوایل سال آینده آغاز و تا سال ۲۰۲۹ تکمیل خواهد شد. این پروژه دارای فضاهای مدنی جدید همراه با رستوران‌ها، کافه‌ها، مغازه‌ها، آپارتمان‌ها، ادارات، کلینیک پزشکی جدید و تالار شهر است. همچنین دارای شبکه‌ای از باغ‌ها و میدان‌های به هم پیوسته خواهد بود. جیانلوکا راکانا، مدیر پروژه گفته است: «برند شدن در مناقصه طراحی معماری توسعه مرکز شهر زوگلو برای ما افتخار بزرگی است. این پروژه یکی از سرسبزترین و پایدارترین خواهد بود. این مرکز شهر جدید به طور مساوی خدمات مسکونی، اداری، تجاری و تفریحی را ارائه می‌کند. توسعه همچنین به معماری، فرهنگ و تاریخ پایتخت زیبا، بوداپست ادای احترام خواهد کرد و در عین حال راه را برای آینده با راحل‌های پیشرفته شهری می‌کند.» مرکز شهر زوگلو با عایق بندی سفید‌ها و رنگ برای کاهش مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای ساخته و امکان جمع‌آوری، ذخیره و استفاده مجدد ۹۰۰۰ مترمربع آب باران در سال را فراهم می‌کند.گسترش این مناطق سبز کمک می‌کند که در تابستان مدای هوا تا ۶ درجه کاهش پیدا کند. مناطق سبزی، محور مرکزی توسعه شهری را مشخص می‌کند و پس از تکمیل، به پارک شهری جدید، سومین پارک بزرگ در منطقه تبدیل می‌شوند.